



مه شنبه 19 آبان 1394 - 07:29

[دیکنه بی بی سی، رونویسی زنجیره‌های حق التحریر با ارشاد!](#)

گشایش نمایشگاه مطبوعات در غیاب بخشی از مهمترین رسانه‌های کشور که از قضا سهم اول در تولید اخبار را نیز دارا می‌باشند، واکنش‌ها و تبعات مختلفی داشته و به بحث بسیاری از محافل تبدیل شده است.

گزارش مستند کیهان

[دیکنه بی بی سی، رونویسی زنجیره‌های حق التحریر با ارشاد!](#)

گشایش نمایشگاه مطبوعات در غیاب بخشی از مهمترین رسانه‌های کشور که از قضا سهم اول در تولید اخبار را نیز دارا می‌باشند، واکنش‌ها و تبعات مختلفی داشته و به بحث بسیاری از محافل تبدیل شده است. فارغ از بسیاری از فضا سازی‌های بیمارگونه، بدیهی‌ترین چیزی که می‌توان درباره این اقدام رسانه‌های منتقد دولت گفت این است که دوسال همراهی، سکوت و مماشات با رفتارهای پادگانی معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد و گروگانگیری حریت و آزادی نشریات در برابر یارانه و بی‌اثر بودن تمامی تلاش‌های دلسوزان و نخبگان برای گشودن این گره، سرانجام به این اعتراض منجر شد. اما در حالیکه یک نشریه حق دارد انتخاب کند در یک نمایشگاه سالانه شرکت کند یا نکند، استفاده از این حق بدیهی، موجب آشفتگی و عصبانیت دولتمردان و حامیان‌شان شد و کاربه آنجا کشید که هرچه در دل داشتند، بر زبان جاری کنند! اما در بین همه واکنش‌ها، واکنش رئیس جمهور محترم از همه خاص‌تر و جالب‌تر بود و طبق معمول توام با عصبانیت و هیجان شدید!

اما رئیس جمهور محترم که با هیجان از جواز نقد امام مسلمین هم سخن می‌گفت، به روی خودش نیاورد که انتقاد این همه رسانه منتقد و معترض - که دیدار سالانه با مخاطبان‌شان را ترک کرده‌اند - باید شنیده شده و مورد بررسی قرار گیرد نه اینکه در عوض شنیدن آن، منتقدین آماج حمله و تهدید و توهین قرار گیرند! این از عجایب است که رئیس جمهور در افتتاحیه نمایشگاه مطبوعات، از اینکه رسانه‌های آزادی دارد و می‌نویسد ناراحت است و با دلخوری سوال میکند: «مگر قابل تحمل است که در یک کشوری برخی از رسانه‌ها برای همیشه از تنبیه، توقیف و تعطیل و تهدید مصون باشند و یک حاشیه امن امنیتی دائمی برای آنها مقرر باشد که نه تنها هر چه می‌خواهد بگویند بلکه گاهی هم به عنوان پلیس مخفی عمل کنند؟! آیا رسالت رئیس‌جمهور در آیین افتتاح نمایشگاه، تهدید مطبوعات است یا دفاع از آزادی مطبوعات؟! و آیا مسئول شنیدن نقد منتقدان است یا حمله به منتقدان همزمان با سردادن شعار پر طمطراق آزادی منتقد؟!»

اما در آن مراسم جمله خاص دیگری هم از سوی رئیس جمهور محترم بیان شد که بسیار قابل توجه و تامل است و عدم تشریح و توصیف آن، می‌تواند به رسوب باور و برداشتی غلط در جامعه و نهادینه شدن خلاف گویی و امور خلاف واقع منجر گردد. رئیس جمهور گفت: «برخی رسانه‌ها با پول ملت و بیت المال اداره می‌شود، با پول بیت المال و حاکمیت علیه افتخار حاکمیت و با پول دولت علیه دولتی که منتخب مردم است، فعالیت می‌کنند... هیچ اشکالی ندارد کسی متقاضی یک روزنامه شود و با پول شخصی از اول تا آخر روزنامه، مخالف دولت بنویسد اما با اجازه چه کسی می‌خواهیم با پول مردم علیه راه مردم اقدام کنیم؟ پول مردم علیه مردم، نمی‌تواند برای جامعه قابل قبول باشد.» اما واقعا حمایت پارانه‌ای دولت از رسانه‌های منتقد و غیرمنتقد یکسان است؟ آیا دولت واقعا و به معنی حقیقی کلمه بیت المال را به مطبوعات آگاهی ساز و روشنگر می‌دهد یا نه حاضر است در دهها و صدها موضوع خلاف مصالح ملی و حتی بعضا خلاف شرع هزینه کند اما به منتقدان ندهد؟! آیا کیهان رسانه‌ای است که از دولت پول می‌گیرد و منتقد دولت است؟ این پرسش‌ها و موارد مشابه آن، بی‌تردید پس از سخنان روز یکشنبه آقای روحانی، در ذهن بسیاری نقش بسته و سکوت در برابر آن، پذیرش امور خلاف واقعی است که از قضا و در عالم واقع به شکلی صد در صد دیگرگونه در جریان است. بخوانید:

100 میلیون پول بیت المال سر قبر سگ‌های زرد!

آبان 1392 و در نخستین ماه‌های استقرار دولت تدبیر و امید، چند خواننده یک گروه زیر زمینی معروف به «سگ‌های زرد» با اسلحه به جان هم افتادند و یکدیگر را تکه و پاره کردند! بلافاصله این افراد که در آمریکا و با این وضع یکدیگر را کشته بودند، برای مسئولان وزارت ارشاد و دیگر متولیان فرهنگ اسلامی ایران عزیز شدند، معاون وزیر ارشاد دو نامه به بهشت زهرا نوشت که آنها در قطعه هنرمندان دفن شوند! وبعد با واسطه‌هایی یکصد میلیون تومان پول ناقابل، صرف انتقال پیکر دو نفر از اعضا

«سگ‌های زرد» به ایران شد! یکصد میلیون تومانی که قرار بود برای ارتقا فرهنگ ایرانی و اسلامی هزینه شود. این گشاده دستی در ریخت و پاش بیت‌المال را بگذارید در کنار ادعاهای پی در پی در باره چند رسانه‌ای که «پول دولت را می‌خورند و به دولت حمله میکنند!» تا معلوم شود حضرات نگران بیت‌المال هستند یا چیزهای دیگری...
یارانه برای نور چشمی‌ها!

سخنان رئیس‌جمهور در موضوع صیانت از بیت‌المال و نقد و... بسیار شیرین و دلنشین است و هر کس آرزو می‌کند ای کاش یکبار هم که شده چنین سخنانی در عالم واقع تحقق یابد! اما واقعیت چیست و چه کسانی واقعیت را از رئیس‌جمهور پنهان می‌کنند؟ بر اساس آمار منتشر شده از سوی وزارت ارشاد که در سایت معاونت مطبوعاتی قابل دیدن است- در شش ماه نخست سال جاری، کیهان حتی یک ریال هم یارانه دریافت نکرده است! اما فکر می‌کنید رکورددار دریافت یارانه کدام نشریه مهم و ملی است؟! بر اساس همان آمار، در شش ماهه نخست سال جاری، روزنامه خبر جنوب 656 میلیون تومان یارانه گرفته است! یعنی هر ماه بیش از یکصد میلیون تومان به روزنامه‌ای که از قضا و براساس لیست ارشاد، گستره آن منطقه‌ای است نه سراسری! همین روزنامه، تنها در سه ماه نخست سال 93 مبلغ 481 میلیون تومان یارانه گرفت و در شش ماه دوم سال 92 هم 252 میلیون تومان! مشابه همین ارقام برای روزنامه خبر ورزشی قابل مشاهده است که مثلا در 6 ماه نخست سال 94، مبلغ 488 میلیون تومان یارانه گرفته است! اما این نشریات خوشبخت برای چه کسی است و راز سرزیر شدن ارقام نجومی و چند صد میلیونی به نشریاتی از این دست چیست؟ در توضیحی کوتاه می‌توان گفت که جناب معاون مطبوعاتی در مدت اخیر مشغول تامین و تجهیز روزنامه‌های خودش بوده است! چرا که «شرکت توسعه مکتب خبر ایرانیان» صاحب امتیاز این روزنامه هاست و براساس روزنامه رسمی مورخ 87/11/26 آقای حسین انتظامی معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد- عضو و مدیر عامل این شرکت بوده است و... خوب دلیل رکورد داری این نشریات و تکلیف بقیه و بخصوص منتقدان از یارانه مطبوعات معلوم است!

البته این همه ماجرا نیست و در طول مدت استقرار دولت یازدهم، اختصاص یارانه به نشریاتی که به نحوی از انحاء مشغول تملق و مجیز گویی بوده‌اند ادامه داشته و بر شمردن فهرست آنها با شرح و تفصیلی مشابه دو نور چشمی فوق، بسیار ساده و آسان است که بدلیل پرهیز از اطاله از آن می‌گذریم.
چند می‌گیری حمله کنی!؟

اما در برابر اعتراض چند رسانه محروم از حق و استفاده از حق منطقی و قانونی برای عدم حضور در نمایشگاه، آنها که بر سر سفره بیت‌المال نشسته‌اند، امروز باید جبران کمک‌های سخاوتمندانه دولت از کیسه مردم را نمایند و منتقدان را با سخیف‌ترین ادبیات مورد حمله قرار دهند! گرچه حمله به منتقدان پس از مرور ادبیات تاریخی و فراموش نشدن رئیس‌جمهور در مواجهه با منتقدان، چیز مهم و جدی به حساب نمی‌آید، اما مرور تیتیر برخی منتقدان و تورق پول‌هایی که به حسابشان ریخته شده است، راز نمک‌گیری را بیشتر نشان می‌دهد. روزنامه جمهوری اسلامی در تیتیر نخست روز یکشنبه خود نوشت: «همه طیف‌ها در نمایشگاه مطبوعات حضور دارند» بررسی‌های آماری نشان می‌دهد این روزنامه در شش ماه سال جاری 459 میلیون تومان یارانه دریافت کرده است! او خوب طبیعتا امروز روز جبران است! روزنامه مردم سالاری هم نوشت: «تحریم بی‌اثر نمایشگاه مطبوعات به بهانه تحدید قلم!» این روزنامه هم در باشگاه بیش از صد میلیونی‌های یارانه قرار دارد و ماهانه 22 میلیون تومان ناقابل کمک مستقیم دریافت می‌کند! این عدد ناقابل کافی بود تا مصطفی کواکبیان را وادار کند در نقش روابط عمومی معاونت مطبوعاتی در سیمای جمهوری اسلامی حاضر شود و تمام قد به دفاع از عملکرد ارشاد بپردازد و با ادبیات خاص خودش، نشریات منتقد را بنوازد! البته ظاهرا مردم سالاری ارزان فروشی کرده و نشریات هم رده او یارانه بیشتری گرفته‌اند! شاید هم دفاع اینچنین کواکبیان و ایفای نقش مدافع سینه چاک، حکایتی دیگر داشته باشد که از آن می‌گذریم
دم خروس در جیب آقای مشاور!

درست در زمانی که انتقاد و اعتراض دلسوزان و منتقدان به تخصیص یارانه به نور چشمی‌های حامی دولت با چماق تکفیر و حتی ضدیت با انقلاب مواجه می‌شد، اعترافات جالب حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهور، آب پاکی را روی دست جماعت سرکوبگر ریخت! آشنا صراحتا تخصیص یارانه به نور چشمی‌ها را تایید کرد و گفت: «آنچه که واقعیت دارد این است که یک رابطه مستقیم و مشخصی بین کاهش یارانه دریافتی توسط بعضی رسانه‌ها و میزان انتقادشان به سیاست‌های دولت وجود دارد؛ لذا هر چه که میزان انتقاد به سیاست‌های دولت بیشتر باشد یارانه آن رسانه کاهش می‌یابد» این اقرار بی‌سابقه و تاریخی مشاور رئیس‌جمهور، جای همه گونه استدلالی رامی‌گیرد و نشان می‌دهد بیت‌المال فقط برای مدح دولت و سیاست‌های آن است و جزای حق گویی تحریم اقتصادی است! آشنا حرف جالب دیگر هم می‌زند او معتقد است آنچه امروز به سر مطبوعات مستقل می‌رود، برگشت‌ناپذیر است و اگر اعتراضی هم بوده: «باید در زمانی که شیوه یارانه دادن به رسانه‌ها مصوب می‌شد مورد مخالفت قرار می‌گرفت!» و بدین ترتیب پرونده یارانه از نظر ایشان بسته شده و البته بسته شدنی توام با تایید صریح اعتراض منتقدان.

ما بی‌شماریم!

بر اساس ادعای نور چشمی‌های زنجیره‌ای، کیهان و چندین خبرگزاری و رسانه و روزنامه دیگری که در نمایشگاه امسال حاضر نشده‌اند، تنها ده درصد جامعه رسانه‌ای کشور را تشکیل می‌دهند و نرفتنشان به نمایشگاه، اهمیتی ندارد! اما واقعا هم چنین است؟! برخی اعترافات خود زنجیره‌ای‌ها، حکایتی جز این لاف‌گزار دارد و نشان می‌دهد روزنامه‌داری برای برخی، به نوعی دکان داری تبدیل شده و البته وقتی بیت‌المال و یارانه دیگران، به سادگی تقدیم آنها می‌شود، چه کاری بهتر از همین دکانداری؟!

چندی قبل و در جریان اعتراض یکی از سایتهای اصلاح طلب به روزنامه آرمان، بخاطر درج اخبارش بدون ذکر منبع-بخوانید سرقت خبر- معلوم شد که آن روزنامه تیراژی پنج هزارتایی دارد که نیمی از آن هم برگشتی است! اما موضوع وقتی جالبتر می شود که بدانید همین روزنامه با فروش 2500 نسخه در روز، تنها در شش ماه نخست سال جاری 226 میلیون تومان یارانه دریافت کرده است! با محاسبه قیمت فروش این روزنامه به سامانه توزیع و نیز محاسبه مبلغ فوق معلوم میشود که این روزنامه در تمام شش ماه نخست سال، پول همه نسخه های خود را پیشاپیش از ارشاد دریافت کرده است و فروش یا عدم فروش آن دیگر اهمیتی ندارد! از این قبیل بی شمارها فراوانند که بررسی پرونده تک تک آنها، به تطویل این نوشتار می انجامد و بعنوان نمونه ای کلی می توان به نوشته اخیر روزنامه بهار اکتفا کرد که نوشته بود: «باورکردنی نیست اما در همین تهران، دفتری 50 متری را می توان سراغ گرفت که با 6 نفر (درست خواندید 6 نفر!) همزمان «چهار» روزنامه 12 صفحه ای را آماده و شبانه به چاپخانه ارسال و با تیراژهای 1000 (هزار!) تا 2000 (دو هزار!) نسخه به زیور چاپ می آریند! البته فلسفه وجودی این دکان های به اصطلاح مطبوعاتی که شأن و جایگاه اهل اصیل رسانه را نیز مخدوش کرده، «پول و درآمدهای هنگفت مالی» از طریق لابی کردن با برخی مراکز مختلف است که فضای آلوده و بس مفسده انگیزی را در فضای رسانه ای حاکم کرده اند. اینکه همین چسبیده ها در «به اصطلاح روزنامه ها» ی فاکتور یک آگهی را دو میلیون صادر و 1/5 میلیون را به مسئول آگهی های فلان مرکز تقدیم می کنند و 500 هزار تومان هم به جیب جمع محدود دوستانه خودشان ریخته می شود، یک دکان چند نیش با درآمدهای میلیاردی، آن هم در فضای راکد کنونی اقتصادی کشور نیست؟! ...»

رانت بزرگ یارانه های پنهان

اما یارانه های آشکار و اعلام شده، تنها بخشی از چیزی است که روزنامه های حامی دولت را مورد تفقد و نوازش قرار می دهد و بخش بسیار بزرگتر از آنچه اعلام شده را می توان در قالب آگهی ها و خبرهای سفارشی ملاحظه کرد که اغلب از چشم مخاطبان و حتی دستگاه های نظارتی پنهان می ماند. بعنوان نمونه می توان به گزارش های زنجیره ای و تمام نشدنی مناطق آزاد و منطقه آزاد کیش در برخی روزنامه های نورچشمی اشاره کرد. گزارش های هشت صفحه ای که هر چند روز یکبار با عکس هایی شبیه بولتن های روابط عمومی ساز، از موفقیت های بزرگ! مدیران مناطق آزاد رونمایی می کند. می توان سفارش های مجموعه های نفتی و بانک ها و ... را هم در این فهرست لحاظ نمود و رد آنها را در اخبار و رپرتاژهای این روزنامه های آزاد اندیش و مستقل جستجو کرد! جایی که یک نفر مارکسیست و ساواکی دستگیر شده و نشان دار، مسئولیت یک روزنامه اقتصادی را در دست دارد و از همه جور محبت مسئولان دولتی برخوردار است، و با تمام توان مشغول ترویج و فرهنگ سازی برای سبک زندگی غربی است، سخن گفتن از رسانه های مستقل، کمی مضحک به نظر می رسد!

برجام با دشمن، تحریم با کیهان!

اما در این بین کیهان چه می کند و چگونه امور خود را می گذراند؟ آیا آنگونه که مسئولان دولتی ادعا می کنند، ما از «بودجه عمومی» و «بودجه دولتی» استفاده می کنیم و به تصریح رئیس جمهور، چون از این بودجه استفاده می کنیم حق حرف زدن نداریم؟! ...»

باید گفت براساس آمار معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد، موسسه کیهان در سال جاری حتی یک ریال یارانه دریافت نکرده است! همچنین هیچ مرجع و نهادی در کشور وجود ندارد که به هر شکلی به کیهان کمک مالی مستقیم و غیرمستقیم کند و هرکس ادعای چنین چیزی را دارد، خوب است برای یکبار هم که شده مستندات خود را ارائه کند تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد! اینکه مدام در رسانه ها و تریبون های عمومی، خلاف گویی شود و به مردم اینگونه اعلام شود که دست کیهان در کیسه بیت المال است و هرچه می خواهد در اختیار دارد و بودجه عمومی و دولتی و ... همه و همه در اختیار کیهان است، بدون اینکه هیچ سند و مدرکی ارائه شود، ممکن است برای دقایقی ذهن مخاطب را بفریبد، اما در دراز مدت و پس از آنکه هیچ سندی بر این ادعا ارائه نشد، موجب سلب اعتماد مردم و باور این نکته می شود که دیگر حرف ها هم چون این سخن، واهی و بی اساس است! یادآوری این نکته خوب است که کیهان، با تکیه بر توان انتشاراتی خود و نیز با جلب آگهی های مردم، امور خود را می گذراند و از داشتن هرنوع حمایت مالی دیگری محروم است. نکته مهم اینکه دستور اکیدی مبنی بر آگهی ندادن به کیهان از سوی دستگاه های دولتی وجود دارد و بسیاری از مدیران دولتی در مراجعات و تماس های خود، از این دستور العمل پرده برداشته و تاسف خود را از این موضوع اعلام میکنند. این در حالی است که یکی از روزنامه های دولتی ماهانه دو میلیارد تومان آگهی ثابت و همیشگی دارد و اجازه سفارش حتی یکی از آن آگهی ها به کیهان داده نمی شود! در خصوص انتشارات کیهان نیز ذکر این نکته خالی از فایده نیست که ماشین آلات چاپ روزنامه مربوط به بیش از نیم قرن قبل است و از هرگونه حمایت دولتی برای نوسازی آن محروم بوده و هستیم، در حالیکه مجموعه های بسیار کم ارزش و کوچکی که امروز بیشتر در خدمت افکاری بغیر از آرمان های انقلابند، با کمک های چند ده میلیون دلاری در دوره اصلاحات، صاحب چاپخانه های مجهز و مدرن شدند و البته این توان در خدمت براندازی است که نشانی آن را در فتنه 88 می توان یافت.

رونویسی از دیکته بی بی سی

با حق التحریر ارشاد!

اما پس از این همه مستندات، باید پرسید پولی که ارشاد به نور چشمی ها و زنجیره ای ها می دهد چه می شود؟! اگر صرف انقلاب و درد مردم می شد که هیچ غصه ای نبود و همین که بیت المال برای پیشبرد اهداف نظام هزینه می شود، جای شکر دارد، حتی اگر کیهان محروم باشد. اما واقعیت چیز دیگری است، روزی نیست که زردنامه های حامی دولت با پول بیت المال، رکنی از ارکان نظام و انقلاب را زیر سوال نبرند! حتی رکنی از ارکان دین را! ماجرای توهین روزنامه بهار در بحث ولایت امیرالمومنین و غدیر خم

را فراموش نمی‌کنیم، ماجرای حمایت روزنامه تازه متولد شده کارگزاران از کاریکاتورهای موهن شارلی ابدو به ساحت مقدس پیامبر اعظم را فراموش نمی‌کنیم، ماجرای توهین به رزمندگان دفاع مقدس در کاریکاتور روزنامه ایران و دهها مورد دیگر از این دست، دل هر ایرانی آزاده‌ای را به درد می‌آورد که پول فلان روستایی و فلان مدرسه و فلان بیمارستان و ... صرف توهین به مقدسات ملت می‌شود و رئیس‌جمهور برای آنها سینه چاک می‌کند و به منتقدان و دلسوزان حمله می‌کند و مدعی می‌شود که دست آنها در سفره بیت‌المال است! آیا جز این است که در موارد متعدد، روزنامه‌های زنجیره‌ای، به کپی‌برداری بدون کم و کاست مقالات و گزارش‌های بی‌بی‌سی در روزنامه خود پرداخته‌اند! آیا بارها و بارها پیش نیامد که بی‌بی‌سی خط نفاق و فتنه را داده و زنجیره‌ای‌های داخلی، به تقلید بی‌کم و کاست از آن پرداخته‌اند؟! از آخرین نمونه آن تنها سه روز گذشته و کاش رئیس‌جمهور می‌دید که تحریف امام راحل در بی‌بی‌سی انجام شد و در رسانه‌هایی که برای ایشان سوت و کف می‌زنند، ادامه پیدا کرد و صدایی هم از ارشاد و دیگران بلند نشد!

اکنون بار دیگر سخنان رئیس‌جمهور و مشاور فرهنگی ایشان را مرور کنید، تردیدی نیست که جریانی هدفمند، مشغول شبکه‌سازی با پول بیت‌المال برای سرکوب هر صدای منتقد و در مقابل ترویج آراء دشمن و روحیه تملق در کشور است.